

کارگر سوسیالیست

سال پانزدهم، دوره دوم نشریه اتحادیه سوسیالیستهای انقلابی ایران ۲ خرداد ۱۳۸۴

«کمیته اقدام کارگری» (ایران)



اطلاعیه ۵

حمایت کارگران ونزوئلا از کارگران ایران

ما اتفاقات خطرناک اخیر را در جنبش کارگری ایران بشدت محکوم کرده و نگرانی عمیق خود را نسبت به تأثیرات احتمالی آن بر مبارزه جویی فعالان کارگری دوره بعدی بیان می‌نماییم. آنچه که با ربوده شدن فعالان منفردی همچون صادق امیری از کمیته پی گیری و پرویز سالاروند، کارگر ایران خودرو آغاز شد، زمینه را برای حمله سازماندهی شده عناصر "کارگری" طرفدار رژیم (خانه کارگر و شورای اسلامی کار) به اتحادیه کارگری مستقلی که در حال شکل گیری است، آماده کرد.

بر ما روشن است که مسئولین خانه کارگر و شورای اسلامی کار با اجازه رژیم به فعالین کارگری شرکت واحد تهران که در پی ایجاد اتحادیه مستقل خود در این شرکت اتوبوسرانی بودند، حمله بردند. در این حمله وحشیانه که بوسیله رئیس شورای اسلامی کار سازماندهی شد، قصد بریدن زبان یکی از فعالان کارگری نیز رفت.

ما امیدواریم که پشتیبانی بین المللی کارگری و جنبش سوسیالیستی بتواند بر روی مسئولین مربوطه فشار گذاشته و این افراد را به محاکمه کشیده و سازمان های آنها را منحل نماید. اگر حکومت ایران در این زمینه مقاومت و یا ممانعت نمایند، آنگاه گذاشتن دادگاهی تحت نظر اعضای کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد و هیئت های کارگری بین المللی در یکی از کشورهای اتحادیه اروپا قدم مهم بعدی در جهت حفظ حقوق عادلانه کارگران ایران خواهد آمد.

بقیه در صفحه ۳

سرمقاله

تحریم انتخابات همراه با مبارزه برای مطالبات کارگری



نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری (۲۷ خرداد ۱۳۸۴) بار دیگر به مرکز توجه باندهای هیئت حاکم و بخش عمده اپوزیسیون مبدل گشته است. پس از اینکه کاندیداهای ریاست جمهوری از زیر تیغ «شورای نگهبان» و «خبرگان» بگذرند؛ یک دور

دیگر از مضحکه انتخاباتی ریاست جمهوری آغاز می گردد. اما از هم اکنون معلوم است که کاندید هیئت حاکم چه کسی خواهد بود. اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۲۰ اردیبهشت با صدور بیانیه ای اعلام کرد که در نهمین دور انتخابات ریاست جمهوری ایران شرکت خواهد کرد. رفسنجانی در بیانیه خود که خطاب به مردم منتشر شده، با «تواضع» اعلام کرده: "....تصمیم به حضور در انتخابات ۲۷ خرداد یکی از سخت ترین تصمیماتم در سراسر سالهای فعالیت سیاسی من بوده است." وی "تردیدهایی" برای شرکت در انتخابات داشته که تصمیم گیری را برایش سخت کرده بوده است! اکبر هاشمی رفسنجانی در تشریح این "تردیدها" گفته است: "نمی خواستم گمان شود که نظام جمهوری اسلامی توان زایش نخبگان و مدیران تازه را ندارد و یا اینکه مجال برای خدمتگزاری نیروهای تازه نفس و توانا محدود گردد." وی در بیانیه خود، به مواردی از جمله گسترش تنش ها، بروز گرایش های افراطی، شکل گیری فضای سرد و شرایط حساس منطقه ای و جهانی، اشاره و از آنها به عنوان عوامل موثر در اتخاذ تصمیمش یاد کرده است. اگر از تمام این «تعارفات» بی اساس بگذریم، رفسنجانی که از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ دو دوره رئیس جمهور بوده، همواره به عنوان یکی از مهره های اصلی رژیم در «مجمع تشخیص مصلحت» در امور سیاسی داخلی و بین المللی اعمال نفوذ کرده است. او پس از اشغال عراق توسط نیروهای امپریالیستی به دولت آمریکا چراغ سبز نشان داد. امروز نیز در صدد است که برای دوره دیگر تدارک نزدیکی با غرب را فراهم آورده که به استنثار مضاعف کارگران همراه با دولت های امپریالیستی دامن بزند.

بقیه در صفحه ۲

اتحادیه سوسیالیستهای انقلابی ایران

<http://www.kargar.org/>

Editor@kargar.org

BM Kargar, London WC1N 3XX, UK

کمیته هماهنگی، پیش به سوی وحدت - علیرضا خباز صفحه ۴

پیش به سوی اتحاد عمل سراسری کارگری (ملاحظات)

به مقاله علیرضا خباز - مهدی ریاضی صفحه ۴

سازمان بین المللی کار و اصلاح قانون کار - خبری از بی بی سی. صفحه ۵

نامه به روزنامه گاردین - اتحادیه سراسری روزنامه نگاران صفحه ۷

«فقر فلسفه» - پیشگفتار م. رازی صفحه ۸

دولت خاتمی و پیش از او رفسنجانی خالی از محتوا و بی ارزش بوده است.

دفترهای دخل و خرج را باز کنید!

بانک مرکزی و دولت هموار اعلام کرده است که وضعیت اقتصادی وخیم بوده و درآمد حاصله از فروش نفت کفاف بهبود اوضاع اقتصادی را نمی دهد. برخی استدلال می کنند که تنها با روش «آرامش فعال» و شرکت در انتخابات و انتخاب یک فرد صالح (تظیر رفسنجانی!) می توان به بهبود اقتصادی دست یافت. شرکت فعال در انتخابات زمانی چهره واقعی به خود می گیرد، که کارگران ایران در مورد کلیه مسایل اقتصادی آگاه باشند. پاسخ کارگران به سردمداران رژیم اینست که «دفترهای دخل و خرج را باز کنید!» تا تمام مردم ایران ببینند که درآمد و خرجهای دولت در سال های پیش (دوره ریاست جمهوری خاتمی و رفسنجانی) چگونه بوده است؟

پرسیدنی است که مصوبه مجلس مبنی بر اینکه دولت می بایستی نیمی از درآمد افزونه را صرف حل مسئله بیکاری کند، به کجا انجامید؟ کارگران ایران چگونه می توانند در انتخابات آتی شرکت کنند اگر رئیس جمهورهای «منتخب» پیشین، قادر به انجام قول و قرارهای خود نباشند؟ به علاوه این افزونه درآمدها صرف چه طرح هایی شده است؟ خرید سلاح برای سرکوب تظاهرات و اعتراض های مردمی؟ پر کردن جیب های «آقازاده ها»؟ یا سازندگی اقتصادی؟

سالهاست که بنیادهای به اصطلاح مستضعفین، ۱۵ خرداد، علوی و غیره اقدام به جمع آوری کمک مالی از مردم کرده اند. یکی از مطالبات کارگران در دوره انتخاباتی، می تواند تشکیل یک کمیسیون کارگری برای رسیدگی به دخل و خرج این بنیادها باشد. اگر رژیم ادعا دارد که پولهای جمع آوری شده توسط بنیادهای مذکور در راستای کمک رسانی به کارگران و زحمتکشان (مستضعفین) بوده است، چه باکی از علنی کردن حساب و کتابهای آن بنیادها به دل راه باید دهد؟ شرکت در انتخابات ریاست جمهوری دولتی که میلیونها تومان از پولهای مردم را حیف و میل کرده و حاضر به پاسخگویی نیست، غیر اصولی است! کارگران باید بدانند که درآمد سرشار رفسنجانی و خانواده اش و آقازاده ها از کجا تأمین شده است؟

ایجاد تشکل های مستقل کارگران

کارگران برای شرکت در انتخابات نیاز به تشکل های مستقل خود دارند. کارگران باید از طریق تشکیل تجمع و جلسات به کارنامه ریاست جمهوری در دوره پیش رسیدگی کرده و مطالبات و سیاستهای آتی خود را به صورت جمعی اتخاذ کرده و بر اساس آن در انتخابات شرکت کنند. اگر رژیم به ایجاد تشکل های مستقل کارگران تن در ندهد، انتخابات بی ارتباط به مسایل آنها قلمداد می شود. کارگران ایران باید از حق اعتصاب، تجمع، مطبوعات و بیان برخوردار باشند. بدون ایجاد تشکل های مستقل کارگری هیچ یک از این مطالبات قابل تحقق نخواهند بود. رعایت حقوق اولیه دمکراتیک کارگران تنها راه ضمانت اجرای سیاستهای آنهاست. طی سال های پیش سردمداران رژیم در عمل نشان دادند که حافظ منافع کارگران نبوده و قابلیت ادای قول و قرارهای خود را از دست داده اند. شرکت در انتخابات بدون داشتن تشکل های مستقل کارگری، کارگران را مجدداً به اسرای سرمایه داران مبدل خواهد کرد. دوباره دستمزدهای آنها پرداخت نخواهد شد و اخراجها و سیاستها و قوانین ضد کارگری اعمال خواهد شد.

کارگران طی چند سال گذشته به ماهیت واقعی دولت پی برده اند. اخراج های بی رویه، عدم پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، ارباب و

تحریم انتخابات همراه با مبارزه برای مطالبات کارگری

البته انتخاب یا عدم انتخاب رفسنجانی کوچکترین تأثیری در وضعیت کارگران؛ زحمتکشان؛ جوانان و زنان ایران نخواهد گذاشت. بهترین پاسخ به کاندیداتوری رفسنجانی را هزارها تن از کارگران ایران در اول ماه مه دادند. کارگران ایران کاندید «خانه کارگر» و شورای اسلامی کار، آقای رفسنجانی را هوی کردند! و از برگزاری سخنرانی او جلوگیری به عمل آوردند.

بدیهی است که شرکت در این مضحکه انتخاباتی برای کارگران و زحمتکشان ایران بی معنی است. سخنان طرفداران هیئت حاکم مبنی بر اینکه قرار است همه مردم ایران بار دیگر سرنوشت خود را با انتخابات رئیس جمهور نوین قلم بزنند را کسی جدی نمی گیرد. همانطور که در دوره پیش قول و قرارهای خاتمی مبنی بر برداشتن «گام» های «مؤثر»تری برای برقراری «جامعه مدنی» را کسی جدی نگرفت. اینها سناریوهایی است که طرفداران رژیم در میان مردم تبلیغ می کنند. اما، آیا کارگران و زحمتکشان و قشرهای وسیع تحت ستم جامعه ایران نیز همین اعتقادات را دارند؟ پاسخ محققاً منفی است! این نمایش ها دیگر خریداری ندارد. سخنان واهی رفسنجانی از اعتبار ساقط شده است. حتی طرفداران فریب خورده و فرصت طلب «اصلاحات»، مانند سوسیال دمکرات های تازه به دوردن رسیده، که چند سال پیش تصور می کردند به کشف نوینی دست یافته و خواب و خیال «جامعه مدنی» به سبک سرمایه داری غربی را در سر می پروراندند، دیگر به چنین روندی اعتقاد ندارند. همه شرمسار از مواضع اشتباهشان سرهایشان را به زیر انداخته و زیر لب به هذیان گویی پرداخته اند. نشریاتشان سخن از به «بن بست» رسیدن اصلاحات به میان می آورد!

آیا واقعاً انتخابات ریاست جمهوری آتی ارتباطی به مسایل کنونی جامعه دارد؟

مسایل کارگران، زنان و جوانان و قشرهای تحت ستم جامعه کوچکترین ارتباطی به انتخابات آتی ندارد. در طی سال های پیش نه تنها کوچکترین بهبودی در وضعیت آنها به وجود نیامده که وضعیتشان وخیم تر نیز گشته است. کارگران ایران و متحدانشان دیگر نمی توانند در انتظار تغییرات از طریق باندهای هیئت حاکم مانده و در زمین دشمن به بازی ادامه دهند. کارگران با اتکا به نیروی خود برای احقاق مطالبات خود اقدام کرده و زمین بازی را تغییر داده اند. مطالبات کارگران با سیاستهای انتخاباتی سردمداران رژیم متفاوت هستند.

کارنامه عملکرد دولت باید ارائه داده شود!

مدافعان دولت سرمایه داری از کارگران می خواهند که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت فعال داشته باشند تا سرنوشت خود را بدین ترتیب رقم زنند. پاسخ کارگران اینست که «کارنامه عملکرد دولت را ارائه دهید!» چرا مردم ایران نباید در مورد اقدامات سیاسی و اقتصادی رژیم مطلع باشند؟ مگر مردم ایران قابلیت درک مسایل را ندارند که آنها را در جریان امور نمی گذارند؟ مردم ایران دیگر نمی توانند با شرکت در انتخابات، مجوز سرکوب خود را به انصار حزب الله و لباس شخصی ها و خانه کارگری ها بدهند! چه اقدامات مشخصی دولت برای جلوگیری از قتل عام ها و دستگیری ها و سرکوب انجام داده است؟ هیچ! نه تنها اقدامات اقتصادی و سیاسی وعده داده شده اجرا نشده بلکه خسارتهای وارده بر آزادهای سیاسی مردم به مراتب بیشتر از دوره پیش از آن بوده است. کارنامه عملکرد

SUMTRAFON-

Luis Primo (Caracas - Miranda Regional
Coordination UNT)Josi Ramlrez (Caracas - Miranda Regional
Coordination UNT and
Bolivarian Workers' Front Coordinator in Altos
Mirandinos)Ricardo Galindez (Secretary for Demands of the oil
workers union PDVSA
Lara and advisor to the Social Security Workers
Union Lara -SUTIVSS- de Barquisimeto, Estado
Lara)

دستگیری معترضان و تحمیل قوانین قرون وسطایی «کار» و معرفی
نهادهای دولتی تحت عنوان «خانه کارگر» به کارگران؛ همه از
«دستاوردهای» ریاست جمهوری ها بوده اند.

اکنون در مقابل کارگران دو راه بیشتر نمانده است. یا تمکین به کل
نظام سرمایه داری و سپردن سرنوشت خود به دست دولت سرمایه
داری و رفسنجانی ها و تداوم وضعیت وخیم موجود؛ و یا مبارزه
برای کسب استقلال از کل دولت سرمایه داری و بدست گرفتن
سرنوشت خویش به اتکا به نیروی خود. تحریم انتخابات ریاست
جمهوری همراه با طرح فعال مطالبات کارگری می تواند روش درستی
از اعتراض به اجحافات دولت سرمایه داری باشد. کارگران ایران می
توانند بر محور یک برنامه اقدام کارگری کاندیداهای غیر رسمی خود
را معرفی کرده و در مقابل کاندیدهای سرمایه داران به کاندیدهای
کارگری رأی دهند.

نه! به انتخابات ریاست جمهوری!
آری! به برنامه اقدام کارگری!

۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۴
«کمیته اقدام کارگری» (ایران)

pishroo@fastmail.fm
<http://iwsn.topcities.com/eghdam.htm>

اتحادیه سوسیالیست های انقلابی ایران

۱ خرداد ۱۳۸۴

صادق امیری روز شنبه ۱۳۸۴/۲/۲۴ با قرار وثیقه پنجاه
میلیون تومانی آزاد شد.

بقیه از صفحه ۱

حمایت کارگران ونزوئلا از کارگران ایران

چنین حرکتی درسی خواهد شد برای آینده تا هیچ گروه دیگری سعی
در فشار آوردن بر کارگران، نمایندگان حقیقی آنها و سازمان های
مستقل آنها نکرده و آنان را به خاطر دست زدن به فعالیت هایی که
حق مسلم آنها می باشد، از جمله حفظ شغل و شرایط محیط کارشان،
نترساند.

- صادق امیری و پرویز سالوند فوری باید آزاد گردند!
- مسئولین خانه کارگر و شورای اسلامی کار باید فوری
دستگیر گردند!
- دادگاه کارگری مستقل برای محاکمه و اجرای عدالت علیه
اوباش برقرار گردد!
- خانه کارگر و شورای اسلامی کار منحل باید گردد!

(ترجمه از متن انگلیسی)

Pedro Aguilera (president of the Union of Private
Security Workers
SINTRAVIPRIV)

Johann Ribas (secretary of the health workers union
SIRTRA SALUD in the
El Algodonal Hospital, Parroquia Antimano,
Caracas)

Henry Martinez (Health Section Bolivarian Workers'
Front, El
Algodonal Hospital, Parroquia Antimano, Caracas)

Hermann Albrecht (Organisation Secretary of the
United National
Philharmonic Orchestra Musicians' and other
workers' Union –

«کمیته اقدام کارگری» (ایران)



اطلاعه ۶

حمایت کارگران بریتانیا از کارگران ایران

[متن نامه پشتیبانی مانند نامه کارگران ونزوئلا می باشد و از سوی
فعالین ذیل امضاء شده است.]

Jeremy Dear, General Secretary, NUJ
Atif Nazar, Pakistan Trade Union Defence Campaign
Espe Espigaress, Amicus shop steward, London
Des Heemskerk, Amicus Media and Campaigns officer
(personal capacity)
Phil Waker, CWU NEC
Nigel Pearce, NUM NEC
Kris Lawrie, NUJ member
Rob Sewell, Vice-Chair NUJ, Central London Branch
Bjorn Oystein Ovrevik, Newcastle upon Tyne
Kenny Brown, union-GMB (personal capacity) Labour
Party (personal capacity)
Steve Brown, Secretary Wansbeck and Morpeth TUC
and Alcan GMB.
Tam Burke, Prospect Trade Union (workplace
representative - personal capacity), South West
Edinburgh Labour Party member (personal capacity).
Graham Wilson, TGWU steward, E.Edinburgh CLP
Ramon Samblas, YFIS

کمیته هماهنگی، پیش به سوی وحدت

علیرضا خباز

با نگاهی به تحولات جاری در جنبش کارگری، لازم دیدم، نیم نگاه تحلیلی را در ارتباط با مسائلی که اخیراً شاهد آن بودیم، مد نظر داشته باشم. واقعیت این است که گرایشات موجود در جنبش را نمیتوان نادیده گرفت، این گرایشات فارغ از چگونگی کم و کیف حضور آنها در جنبش کارگری، لایه های مختلف جنبش را نمایندگی میکنند.

آنچه که در نگاه اول باید به آن پرداخت، حضور و یا عدم حضور این گرایشات و کیفیت ارتباط آنها با طبقه کارگر است، باید دید کارگران و از همه مهمتر کارگران پیشرو و فعالین کارگری در سراسر کشور تا چه اندازه ای از گرایشات موجود شناخت داشته و از آنان تاثیر میگیرند. با نگاهی گذرا به اول ماه مه امسال و برگزاری مراسم اول ماه مه در سالنها و فضاي بسته به راحتی می توان عدم حضور تعداد کثیری از کارگران در این مراسم را مشاهده کرد. در کنار آن حضور قابل توجه کارگران در مراسم خانه کارگر را میتوان به عنوان کمیت و کیفیت این حضور به معرض سنجش گذاشت، اگر گرایشات موجود این ارتباط ارگانیک را با کارگران داشتند، ما امسال می توانستیم شاهد اول ماه متفاوتی با سال های قبل باشیم. حلقه مفقوده این ارتباط کجاست و چرا این گرایشات به دور از توده ی کارگران و به صورت انتراعی عمل می کنند.

در نگاه بعدی به نظر میرسد این گرایشات به جای ارتباط منسجم با یکدیگر به تدریج از هم دور میشوند. در شرایطی که جنبش کارگری نیازمند اتحاد هر چه بیشتر بوده این اشفاق چه معنایی میتواند داشته باشد. اگر ملاحظه عمل منافع طبقه کارگر باشد، پس آیا تشتت و پراکندگی گرایشات مختلف را چگونه می توان توجیح کرد.

عملکرد گرایشات مختلف در داخل کشور، این واقعیت تلخ و تجارب گذشته را تداعی میکند که هنوز فرقه گرایی بر جنبش حاکم است و ما تأثیر آن را حتی در عناصر منفرد این جنبش نیز شاهدیم. اینکه به هر شکل ممکن گرایش من پیش برود، اگر قرار باشد تشکلی ایجاد شود با مواضع و خط مشی گرایش من صورت بگیرد. اگر قرار است قطعنامه ای نوشته شود، مواضع من باید در آن غالب باشد. جالب اینکه بعضی از این گرایشات از جایی و اندیشه ای خط میگیرند که در جنبش کارگری حضور ندارند و این عدم حضور باعث تحلیل کاملاً ذهنی از واقعیتها می شود. موجود طبقه کارگر ایران میشود و حال در این کشمکش ها تکلیف توده های کارگر کاملاً مشخص است. امروز که حضور گرایشات در سطح جنبش کارگری، این چنین از هم گسیخته است، بدا به حال بدنه جنبش کارگری، هر چند در تظاهرات کارگران در مراسم خانه کارگر، توده های کارگر با حضورشان و شعارهایی که سر می دهند، به طرز خیره کننده ای نشان دادند که یک گام پیش تر از پیشروان عمل کرده اند.

با توجه وضعیت موجود و موانع پیش رو کمیته هماهنگی به عنوان یک تشکل باید بتواند وظایفی را که بر عهده دارد به خوبی ایفا کند.

کمیته باید در حرکت رو به جلوی خود بتواند فرا گرایشی عمل کند. یعنی باید زمینه حضور گرایشات متفاوت موجود را بیش از پیش در این کمیته فراهم نماید، این مهم میتواند با تدوین یک آیین نامه شفاف زمینه شکل گیری یک جبهه متحده را حول مطالبات اساسی و ضروری طبقه کارگر فراهم سازد. کمیته می تواند با ارتباط تنگاتنگ با کارگران و در نتیجه مشارکت آنان در تصمیم گیریهای آینده سمت و سوی توده ای و علنی روند حرکت خویش را ترسیم و تثبیت کند، فعالین کمیته با هر گرایشی باید در یک شرایط علنی و آزادانه در مجامع کارگری حضور داشته باشند بدون اینکه مورد تهدید و پی گرد

قرار بگیرند. در ادامه حرکت پیش رو با برپایی مجمع عمومی فراگیر زمینه انتخابات و تدوین اساسنامه با یک برنامه کوتاه مدت و بلند مدت را فراهم سازد. ارتباط با تشکلهای بین المللی حول مطالبات پیش روی طبقه کارگر امکان حمایت و پشتیبانی فعالین کارگری و تشکلهای کارگری را فراهم میسازد. چشم انداز آینده می تواند این باشد که کمیته زمینه برگزاری تجمعات اعتراضی با حضور کارگران را به شکل علنی فراهم سازد. اعضای منتخب کمیته باید مسئولان کشوری را در به رسمیت شناختن فعالیت علنی کمیته و همچنین فعالیت کمیته های دیگر، بر اساس مقاوله نامه های پذیرفته شده تحت فشار قرار دهد. با چنین عملکردی می توانیم در سال های آینده شاهد برگزاری اول ماه مه به شکل آزاد، مستقل و علنی باشیم.

کمیته هماهنگی می بایست گام های وحدت را از هم اکنون بردارد.

کمیته اقدام کارگری



پیش به سوی اتحاد عمل سراسری کارگری

ملاحظات به مقاله علیرضا خباز

در سایت «شبکه همبستگی کارگری» مقاله جالبی توسط دوست عزیز علیرضا خباز تحت عنوان «کمیته هماهنگی، پیش به سوی وحدت» توجه ام را جلب کرد. در ابتدا باید ذکر کنم این مقاله از نادر مقالاتی است که در وضعیت کنونی توسط یکی از فعالین کارگری ارائه داده شد که نشان دهنده حساسیت و احساس مسئولیت دوستان نسبت به مسایل کارگری امروز، است. من با ارزیابی این دوست مینی بر وجود وضعیت افتراق و تشدد و راه حل عمومی ایشان توافق دارم. اما ملاحظاتی نیز دارم که می خواهم بدین وسیله با ایشان و سایر کارگران پیشرو به بحث بگذارم.

ملاحظه نخست این است که چرا خطاب «پیش به سوی وحدت» صرفاً به «کمیته هماهنگی» است؟ چرا این خواست وحدت طلبانه نباید خطاب به همه نهادهای کارگری مستقل از دولت، باشد؟ چرا مثلاً نباید از همه گرایشات کارگری صرفنظر از اعتقادات و نظریات و وابستگی های تشکیلاتی و سیاسی این دعوت را به عمل آورد؟ دوست عزیز علیرضا خباز توضیح نداده است که چرا این خواست شامل حال مثلاً «کمیته پیگیری» نمی گردد؟ ممکن است استدلال شود که «کمیته پیگیری» دارای گرایشات مماشات جویانه نسبت به دولت سرمایه داری است، و «کمیته هماهنگی» دارای گرایش رادیکال و «ضد سرمایه داری» یا «لغو کار مزدی» است. از اینرو بایستی در درون جبهه ضد سرمایه داری «وحدت» صورت گیرد. اگر این تحلیل درست باشد، در پاسخ به این استدلال باید ذکر کرد که:

اول، آیا کارگران در سطح جامعه این ارزیابی را قبول دارند؟ به عبارت دیگر آیا ماهیت مماشات جویی کمیته پیگیری برای همه کارگران روشن و واضح است؟ و یا تنها در ذهن برخی از کارگران پیشرو این نظریات نقش بسته است؟

دوم، آیا در منظر همه کارگران رادیکالیسم «کمیته هماهنگی» به وضوح درک و تجربه شده است؟ به سخن دیگر، آیا همه کارگران متقاعد شده اند که کمیته هماهنگی دارای خصلت ضد سرمایه داری است؟

وسیعترین بخش کارگری علیه اجحافات دولت سرمایه داری، را بسیج کند. مطالباتی نظیر: مبارزه علیه تورم و بیکاری، لغو اسرار معاملاتی و استقرار کنترل کارگری، مبارزه برای آزادی های دموکراتیک (حق بیان؛ حق اعتصاب؛ حق تجمعات کارگری و آزادی مطبوعات کارگری؛ تشکلات مستقل کارگری و غیره). این مطالبات می تواند مورد توافق همه گرایشات کارگری ضد دولتی باشد.

در درون این اتحاد عمل البته گرایشات رادیکال با طرح و مبارزه برای پیشبرد فعالیت های ضد سرمایه داری قادر به افشا بیشتر گرایشاتی خواهند بود که خواهان مامشات با دولت سرمایه داری هستند. در واقع ساختن یک «جبهه واحد کارگری» یا «اتحاد عمل» بر اساس مطالبات عام ضد سرمایه داری، در عین حال به مفهوم صحنه مبارزه ای علیه گرایشات راست کارگری است. بدیهی است که پس از دوره ای مبارزات مشترک ضد دولت سرمایه داری؛ گرایشات رادیکال نه تنها متحدان خود را در عمل می یابند که در سطح توده ای رادیکالیزم خود را میان بخش های وسیعی از کارگران به نمایش می گذارند. تنها در چنین وضعیتی است که می توان به تشکیل یک تشکیلات کارگری خاص علیه گرایشات مامشات خود دامن زد.

ملاحظه سوم، تشمت و افتراق در میان کارگران همواره وجود داشته است. این امر ریشه در حضور عینی دولت سرمایه داری دارد. دولت سرمایه داری و نهادهای وابسته به آن از طریق این افتراق در میان کارگران به استثمار آنها دامن می زنند. اما برای مقابله با افتراق، کارگران پیشرو که در صف مقدم جبهه ضد سرمایه داری قرار گرفته اند؛ آگاهانه نه تنها با مامشات جویی بلکه با فرقه گرایی و باندا بازی و نان قرض دادن ها (که از عوارض مخرب نظام سرمایه داری است) مقابله کنند (مقاله دوست عزیز علیرضا خباز آغاز چنین روندی را نشان می دهد). بدیهی است زمانی که رهبران عملی کارگران در مبارزه با فرقه گرایی پیشقدم شوند و خود سنت دموکراتیک را بنا نهند؛ بدنه کارگری نیز خود را هماهنگ می کند. پذیرش حق گرایش و محترم شمردن نظریات مخالف می تواند اساس ایجاد یک اتحاد عمل سراسری باشد.

مهدی ریاضی (فعال کمیته اقدام کارگری)

mehdi_riazi@hotmail.com

۱ خرداد ۱۳۸۴

مسایل نظری شماره ۱۳

باز تکثیر از: «کمیته اقدام کارگری» (ایران)

pishroo@fastmail.fm

<http://iwsn.topcities.com/eghdam.htm>

خبری از بی.بی.سی.

تشکلهای کارگری مردم سالار برای کارگران ایرانی

خوان سوموایا، دبیر کل سازمان بین المللی کار در دیدار اخیرش از ایران ابراز امیدواری کرد شرایط برای ایجاد تشکل های کارگری و کارفرمایی در جمهوری اسلامی فراهم شود.

آزادی تشکل های کارگری و سندیکاها موضوع اصلی گفتگوهای آقای سوموایا در تهران بوده که سازمان بین المللی کار از چند سال

سوم؛ آیا راه مبارزه با گرایشات مامشات جو عدم دعوت آنها به همکاری در سطح عملی است؟ آیا انزوای سیاسی آن به طور خودبخودی به محو آنها از صحنه سیاسی منجر می گردد؟

بدیهی است که هیچ یک از این سوالات پاسخ یقینی ندارد. نه جمیع کارگران ایران به نظریات مامشات جویانه «کمیته پیگیری» پی برده اند، نه آنها اعتقاد به رادیکالیزم «کمیته هماهنگی» دارند و نه راه مبارزه با مامشات جویی طرد و کنارگذاری فیزیکی آنهاست.

پس از سال ها سرکوب و ارباب؛ امروز با آغاز تغییر تناسب قوا به نفع کارگران؛ ما شاهد حرکت هایی متشکل ضد سرمایه داری در میان آنها هستیم. حرکت هایی برای بازپس گرفتن حقوق اولیه شان و استحکام بخشیدن موقعیت از دست رفته شان. در چنین وضعیتی هنوز گرایشات سیاسی کارگری جایگاه خود را نیافته و عمدتاً عموم کارگران هنوز وارد کارزار و رودرویی مستقیم با دولت سرمایه داری نشده اند. از اینرو کمکان گرایشات محافظه کار به عنوان سخنگویان جنبش کارگری نمایان می شوند. در چنین شرایطی در ذهن عموم کارگران وجه تمایز بین گرایشات «رادیکال» و «غیر رادیکال» هنوز تجربه نشده و آشکار نیست. اینها مشغله فکری برخی از کارگران پیشرو است. و این ذهنیات را کارگران پیشرو نمی توانند با طرح چند شعار رادیکال مانند «لغو کار مزدی» و همراه با شیوه حذف گرایانه، بر کل جنبش تحمیل کنند. این روش کار درستی نیست. این روش از برخورد، بر عکس منجر به تقویت گرایشات مامشات جو و انزوای هرچه بیشتر گرایش رادیکال می گردد. زیرا که در اذهان عموم کارگران این یک روش تحمیلی است که کارگران آمادگی پذیرش آنرا فعلاً ندارند.

البته باید ذکر شود که من نیز از لحاظ نظری نزدیکتر به دوستان «کمیته هماهنگی» بوده و همانند آنها اعتقاد دارم که گرایش حاکم بر «کمیته پیگیری» دارای انحرافات مامشات جویانه و فرقه گرایی است. به نظر من نیز باید با گرایشات سندیکالیستی و رفرمیستی در درون جنبش کارگری که خواهان حفظ وضعیت موجود برای کسب خرده نانی از سرمایه داری است، مقابله شود. اما کمکان با شیوه کار دوستان «کمیته هماهنگی» توافق ندارم.

به اعتقاد من نظر دوست گرمی علیرضا خباز و نظر به اینکه فراخوان «وحدت» ایشان تنها به «کمیته هماهنگی» خود می تواند یک عمل فرقه گرایی تلقی گردد. به نظر من برای اتحاد باید روی سخن به تمام گرایشات موجود صرفنظر از اختلافات سیاسی و تشکیلاتی باشد (فقط نهادهای وابسته به دولت مانند خانه کارگر و شورای اسلامی کار نباید کنار گذاشته شوند).

ملاحظه دوم اینست که دوست عزیز علیرضا خباز در مورد «وحدت» کارگران سخن به میان می آورد. در اینجا باید روشن شود که «وحدت» سیاسی یا تشکیلاتی در میان کارگران بدون سپری شدن یک روند از تبادل نظر و همکاری مشترک عملی؛ پیشنهاد غیر واقعی است. برای نمونه برخی از دوستان مدتی است که صحبت از وحدت یا ایجاد تشکل مستقل کارگری ضد سرمایه داری بر اساس شعار «لغو کار مزدی» به میان آورده اند. این قبیل پیشنهادات متأسفانه در شرایط کنونی طرح های تخیلی و غیر قابل تحقق است. طبقه کارگر نمی تواند به صورت یکپارچه و یا بخشاً، پیش از زمینه ریزی نظری و عملی وارد «وحدت» سیاسی و تشکیلاتی بر محور یک برنامه مشخص گردد، که در میان همه ناروشن بوده و یا حداقل تبادل نظری در میان بخش وسیع کارگران صورت نگرفته باشد.

ما باید خواهان ایجاد یک «اتحاد عمل سراسری» بر محور یک سلسله مطالبات مورد توافق باشیم و نه «وحدت» یا ائتلاف سیاسی و تشکیلاتی. ما باید در ابتدا مبادرت به ایجاد یک اتحاد عمل کنیم که

پیش برای اجرای و عملی کردن آن با مقامات جمهوری اسلامی سرگرم گفتگو بوده است.

مخالفان تغییر قانون

آقای سومایا در سفر خود به تهران مذاکرات گسترده ای با مقامات دولتی و تشکل های کارگری و کارفرمایی در تهران انجام داد و عمده این گفتگو ها در باره پیوستن ایران به مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار بوده است.

دبیر کل سازمان بین المللی کار حضور نمایندگان واقعی کارگران و کارفرمایان را بهترین ابزار برای حل و فصل مشکلات دانسته و گفته است: "اظهارات این سه گروه (کارگران، کارفرمایان و دولت) حاکی از توافق کامل برای الحاق ایران به مقاله نامه های ۸۷ و ۹۷ است."

اصلاحیه قانون کار بر اساس مقاله نامه های ۸۷ و ۹۷ سازمان بین المللی کار تهیه شده است که بر استقلال و فعالیت آزادانه تشکل های کارگری تاکید دارد.

علیرضا محجوب، دبیر کل خانه کارگر در ملاقات با مدیر کل سازمان بین المللی کار از لایحه اصلاح فصل ششم قانون استقبال کرده و در عین حال گفته است: "ما معتقدیم که جزئیات این لایحه باید بار دیگر مورد بررسی قرار گیرد."

در حال حاضر شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر خود را نمایندگان واقعی کارگران می دانند و از مخالفان جدی تشکلی سندیکاها به حساب می آیند.

هفته گذشته گروهی از اعضای این دو تشکل با تجمع در مقابل دفتر پیگیری احیای سندیکای اتوبوسرانی تهران، یکی از فعالان سندیکاهای کارگری شرکت واحد اتوبوسرانی را مجروح کردند.

به نظر می رسد تجمع های جداگانه و خارج از برنامه شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر در روز کارگر که از گستردگی تمایل بخش عمده ای از کارگران برای تشکیل سندیکا حکایت دارد، تاحدودی از مخالفت های اولیه با تشکلی سندیکاها تا حدودی کاسته است.

در عین حال آقای محجوب گفته است: "در مذاکرات سه جانبه به دنبال افزایش قدرت کارگران در قالب تقویت تشکل های قانونی موجود بوده و انتظار تضعیف شورای های اسلامی کار را نداشتیم."

فشار بین المللی

بعد از گزارش سه سال پیش سازمان بین المللی کار از وضعیت تشکل های کارگری در ایران مخالفان سعی کردند تا به هر شکل ممکن مانع انجام اصلاحات مورد نظر این مرجع شوند.

هیات اعزامی سازمان بین المللی کار از نبود آزادی تشکل های کارگری در ایران انتقاد کرده و در گزارش خود نوشته بود: "شوراهای اسلامی کار را که در حال حاضر به عنوان نمایندگان جامعه کارگری فعال هستند، نمی توان انجمن های واقعی کارگران دانست."

این گزارش با اشاره به نقش مهم شوراهای اسلامی کار در دو دهه گذشته، تاکید کرده بود که برای شکل گیری یک نهضت آزاد و مستقل باید یکی از مواد قانون کار اصلاح شود.

به نظر این هیات در صورت اصلاح ماده ۱۳۱ قانون کار و تبصره اش "این اطمینان حاصل می شود که هیچ گونه انحصارطلبی در نمایندگی اشکال مختلف تشکل های کارگری وجود ندارد."

ایران همکاری های گسترده ای در زمینه های آموزشی با سازمان بین المللی کار دارد و درصدد است برای اجرای قواعد بین المللی و پیوستن به مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار، قانون کار را اصلاح کند.

ناصر خالقی، وزیر کار ایران در دیدار با آقای سومایا گفته است که لایحه اصلاح قانون کار در دولت نهایی شده و به زودی برای تصویب تقدیم مجلس می شود.



انتقادهای جهانی

نیود تشکل های صنفی کارگری مستقل در ایران همواره با انتقادهایی از سوی نهادهای بین المللی مواجه بوده و ایران ناچار شده است برای انطباق وضعیت خود با مقررات سازمان بین المللی کار دست به اصلاحاتی در قانون کار خود بزند.

دبیر کل سازمان بین المللی کار در تهران گفته است: "در دنیای مدرن امروز که همه چیز به سرعت در حال تغییر و تحول است، حق داشتن آزادی برای ایجاد تشکل ها ضروری ترین حق برای افراد است."

به گفته آقای سومایا، آنچه برای سازمان بین المللی کار اهمیت زیادی دارد، حق گفتگو است که باید از سوی نمایندگان واقعی کارگران تحقق یابد.

قانون کار جمهوری اسلامی از ۱۶ سال پیش به اجرا در آمده و کارشناسان انتقادهایی نسبت به آن دارند اما این اولین بار است که بخشی از قانون کار ایران، آن هم با فشار یک سازمان بین المللی اصلاح می شود.

این اصلاحیه منحصر به فصل ششم قانون کار است که به تشکل های کارگری و کارفرمایی اختصاص دارد و آقای سومایا ابراز امیدواری کرده است که اصلاحات در این زمینه به نحو مطلوبی انجام شود.

مجلس جمهوری اسلامی در این باره واکنشی نشان نداده ولی به عقیده صاحب نظران مسائل کارگری در صورت تصویب این لایحه، زمینه برای تشکلی سندیکاهای کارگری مطابق استانداردهای بین المللی در ایران فراهم می شود و سندیکاها بعد از دو دهه به عنوان نمایندگان کارگران فعالیت خود را به صورت قانونی از سر خواهند گرفت.

«کمیته اقدام کارگری» (ایران)



اطلاعیه ۷

نامه به: روزنامه گاردین (لندن) از طرف: اتحادیه سراسری روزنامه نگاران

۲۰ مه ۲۰۰۵

آقایان عزیز،

ما این نامه را به منظور جلب توجه شما به وقایع خطرناک اخیر در جنبش کارگری ایران می نویسیم. این وقایع را بشدت محکوم کرده و نگرانی عمیق خود را نسبت به تأثیرات احتمالی آن بر مبارزه جویی فعالان کارگری دوره بعدی بیان می نماییم. آنچه که با ربوده شدن فعال منفردی همچون پرویز سالاروند، کارگر ایران خودرو آغاز شد، زمینه را برای حمله سازماندهی شده عناصر "کارگری" طرفدار رژیم به اتحادیه کارگری مستقلی که در حال شکل گیری است، آماده کرد.

بر ما روشن است که مسئولین خانه کارگر و شورای اسلامی کار با اجازه عناصری از درون رژیم به فعالین کارگری شرکت واحد تهران که در پی ایجاد اتحادیه مستقل خود در این شرکت اتوبوسرانی بودند، حمله بردند. در این حمله وحشیانه که بوسیله رئیس شورای اسلامی کار سازماندهی شد، قصد بریدن زبان یکی از فعالان کارگری نیز رفت.

ما معتقدیم که این حمله به دلیل چشم پوشی مسئولین مربوطه از مسئله صورت گرفته است. بنابراین ما هیچ گونه اعتمادی به توانایی نظام جزایی ایران نداریم که بتواند مجرمین این واقعه را تحت تعقیب قانونی قرار دهد و در نتیجه ما می خواهیم که یک دادگاه تحت نظر اعضای کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد و هنجیت های کارگری تشکیل گردد که تنها راه موثر برای دفاع از حقوق عادلانه کارگران ایران است.

ما صمیمانه امیدواریم که مطبوعات بین المللی که تا کنون در باره این حوادث سکوت اختیار کرده اند، این مسائل را منتشر کرده و بر رژیم ایران برای محاکمه این افراد و سازمان های تحت رهبری اینان فشار وارد آورد.

با احترام،

جرامی دیر

دبیر کل اتحادیه سراسری روزنامه نگاران

Jeremy Dear, General Secretary, NUJ

(ترجمه از متن انگلیسی)

۱ خرداد ۱۳۸۴

«کمیته اقدام کارگری» (ایران)

pishroo@fastmail.fm

<http://iwsn.topcities.com/eghdam.htm>

سازمان بین المللی کار همچنین با بررسی مواد قانون کار فعلی ایران، از شرایط پایان کار کارگران و حقوق زنان انتقاد کرده و اعلام کرده بود که بخشی از قانون تنها به حمایت کارگران در قبال پایان کار غیرموجه می پردازد و این نظر کارشناسان را تانید می کرد که معتقدند قانون فعلی کار اشتغالزا نیست و تنها به حمایت از کارگران می پردازد.

اصلاحات

از متن نهایی اصلاحیه قانون کار گزارشی منتشر نشده، اما بر اساس پیش نویس این اصلاحیه نقش و وظایف سندیکاها از وظایف شوراهای اسلامی کار که هم اکنون در قانون کار نقش محوری دارند، جدا می شود و حق نمایندگی کارگران به سندیکاها واگذار می شود و شوراهای اسلامی کار، نقش مشارکتی و مشورتی در امور رفاهی واحدها را برعهده خواهند داشت.

سازمان بین المللی کار این طرح را در جهت منافع کارگران و کارفرمایان ارزیابی و اعلام کرده است اجرای آن به ارتقای حقوق کارگران و کارفرمایان منجر خواهد شد.

بر اساس این طرح تشکلهای صنفی در وزارت کار ثبت خواهند شد، اما ثبت آنها در وزارت کار، حقی برای دخالت این وزارتخانه در امور آنها ایجاد نخواهد کرد.

همکاری دو جانبه

در عین حال قرار بود همزمان با دیدار آقای سوموایا، دفتر سازمان بین المللی کار در تهران باز گشایی می شود، اما خبری در باره آن منتشر نشده است.

فعالیت های سازمان بین المللی کار در تهران، پس از انقلاب ۱۹۷۹ و تحریم ایران از سوی کشورهای اروپایی و امریکایی متوقف شد، اما تعطیلی آن هیچگاه از سوی این سازمان به طور رسمی اعلام نشد.

به رغم تعطیلی دفتر این سازمان، ایران همکاری گسترده ای با سازمان بین المللی کار داشته است و سعی دارد با ایفای نقشی فعال تر از همکاری بیشتر این سازمان بهره مند شود.

تقویت موسسات ایمنی و بهداشت کار، مدرن سازی نظام اطلاع رسانی بازار کار، اصلاح نظام دستمزد، بیمه اجتماعی و توسعه کارگاه های کوچک و متوسط و اشتغال، بخشی از فعالیت های سازمان بین المللی کار در ایران است.

باز گشایی دفتر سازمان بین المللی کار در تهران به گفته آقای سوموایا تعامل میان این سازمان و ایران در خصوص روابط کار را افزایش خواهد داد.

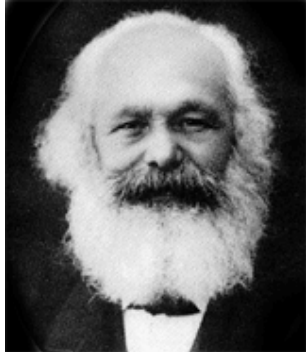
«اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی»

<http://www.javaan.net/>
javan1378@hotmail.com

جوان سوسیالیست شماره ۲۵ چاپ شد

به اثر کارل مارکس «فقر فلسفه»

تمرکز ابزار تولید و تقسیم کار، به طور ارکانیک با یکدیگر مربوط می باشند و هر نوع اختراع جدیدی در زمینه تکنیک، تقسیم کار و تخصصی شدن تولید را تشدید می نماید. مارکس تأکید می کند که سرمایه داری به طور اجتناب ناپذیری موجب هرج و مرج در تولید و فقر توده ها می گردد. او خصلت استثماراری سیستم کار مزدی را افشاء نموده و قانون عام انباشت سرمایه را فرمول بندی کرده و می گوید در سیستم سرمایه داری «به همان نسبت که ثروت ساخته می شود، فقر نیز آفریده می شود.»



مارکس، در «فقر فلسفه» شالوده آموزش مارکسیستی در مورد ارزش، پول، مزد کار، سود و بهره مالکانه را ریخته و در مورد ملی کردن زمین که از نظر او در شرایط جامعه سرمایه داری، به عنوان قاطعانه ترین اقدامات بورژوازی تلقی می شود، مطالب بنیادی ای مطرح می سازد.

مارکس در «فقر فلسفه» و در چند اثر دیگر خود مقدمات تدوین تئوری ارزش افزونه را بوجود می آورد و این تئوری را در اواخر سال های هزار و هشتصد و پنجاه کامل می کند. در آثاری که او قبل از این تاریخ نوشته است، هنوز از اصطلاحات «ارزش کار» و «قیمت کار» استفاده می کند. همچنین مارکس در نوشته های بعدیش به جای «فروش کار» یا «فروش نیروی کار» از اصطلاحات «ارزش نیروی کار» و «قیمت نیروی کار» استفاده می کند.

مارکس در «فقر فلسفه» استنباط خود را از اهمیت تاریخی جنبش انقلابی طبقه کارگر را دقیقاً تشریح کرده و به نقشی که مبارزات اقتصادی، اعتصابات و اتحادیه های کارگری در پروسه تشکل و تعلیم انقلابی توده های پرولتری ایفا می کنند، اشاره کرده و این اندیشه را بیان می دارد که پرولتاریا، آگاهی طبقاتی و آگاهی سوسیالیستی کسب کرده و نقش انقلابی خود را در رابطه با سازمان سیاسی-اقتصادی جامعه سرمایه داری، درک خواهد کرد و با شیوه بیان خود می گوید توده ای که «طبقه ای در برابر سرمایه بوده ولی هنوز برای خود طبقه ای نیست» باید به صورت «طبقه ای برای خود» در آید. در این اثر، مارکس تر مهم وحدت مبارزه اقتصادی و سیاسی را فرمول بندی نموده و تأکید می کند که مبارزه سیاسی برای سرنگونی سلطه سیاسی بورژوازی از نظر رهانی طبقه کارگر واجد اهمیت تعیین کننده ای می باشد.

مطالعه «فقر فلسفه» اثر کارل مارکس، به تمام کارگران پیشتاز انقلابی توصیه می شود. امروز در آستانه اول ماه مه ۱۳۸۴ در ایران، همانند زمانی که این اثر نگاشته شد؛ مبارزه با رفمیزم و گرایشات مماشات جو در درون جنبش کارگری؛ در راستای تدارک انقلاب کارگری آتی ایران، حائز اهمیت است. امیدواریم انتشار این اثر، کمکی باشد به کارگران پیشتاز انقلابی برای مقابله با نظریات رفرمیستی و در راستای ایجاد حزب پیشتاز انقلابی و تدارک سرنگونی سلطه سیاسی سرمایه داری و تحقق انقلاب کارگری برای رهایی خود از شر ظلم نظام سرمایه داری و به دست خود.

«فقر فلسفه» برای نخستین بار در تابستان ۱۸۴۷ بزبان فرانسه منتشر شد. اساس این نوشته علیه گرایش های رفرمیستی در جنبش کارگری است. این اثر پاسخی است به «فقر فلسفه» پرودون و جهان بینی پر از تناقض و خیال پردازانه خرده بورژوازی او که می کوشید در مقابل با توسعه سرمایه داری - که برای او عواقب نابود کننده ای دارد - مقابله کرده و در عین حال سعی کند که شالوده اقتصاد سرمایه داری، یعنی مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و کار مزدی را حفظ نماید. کارل مارکس در این نوشته نشان می دهد که تمام نقشه هانی که برای از بین بردن «جنبه های بد» سرمایه داری در چهارچوب مناسبات سرمایه داری، طرح می شوند، فاقد هرگونه پایه تئوریک است. مارکس به این ترتیب با ایدئولوژی رفرمیستی - که حاملان آن سعی دارند به وسیله برنامه اصلاحاتی جرئی، طبقه کارگر را از مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی باز دارند - به مقابله می پردازد.

«فقر فلسفه» یکی از مهمترین آثار تئوریک سوسیالیزم علمی است. مارکس با انتشار این اثر فلسفی- اقتصادی، برای اولین بار اصول تعلیم ماتریالیستی خود را در مورد قوانین مربوط به تکامل اجتماعی انتشار می دهد. کارل مارکس در این اثر برخی از ایده های اساسی مربوط به تاکتیک مبارزه طبقاتی پرولتاریا را تکامل می دهد.

مارکس در «فقر فلسفه» جهان بینی ایده آلیستی و متد های متافیزیکی پرودون را مورد استفاده قرار می دهد و جهان بینی علمی نوین پرولتری را تشریح کرده و از آن به دفاع می پردازد.

مارکس در قیاس با آثار قبلی اش، در این کتاب استدلال کامل تر و توسعه یافته تری از روش دیالکتیکی خود ارائه داده و برخلاف دیالکتیک ایده آلیستی هگل که واقعیت حقیقی را به عنوان تبلور «ایده مطلق» معرفی می کند ایده ها تجریدات و مقولات منطقی را به عنوان بازتاب عینی روند دیالکتیکی ای که مستقل از اراده و آگاهی انسان ها بوده و در دنیای واقعی صورت می گیرد، معرفی می کند.

مارکس در «فقر فلسفه» به تشریح قوانین عینی تکامل تولید مادی پرداخته و مفهوم «نیروهای مولده» را بیان نموده و نشان می دهد که نه فقط ابزار تولید بلکه حتی خود کارگران، جزئی از نیروهای مولده را تشکیل می دهند. او متذکر می شود که «بزرگ ترین نیروهای مولده، خود طبقه انقلابی است». مارکس به نقش تعیین کننده نیروهای مولده در تکامل جامعه، اشاره کرده و ارتباط دیالکتیکی و تأثیرات متقابل نیروهای مولده و مناسبات تولیدی را توضیح می دهد و ثابت می کند که تضادهایی که در مرحله مشخصی از تکامل جامعه طبقاتی، میان نیروهای مولده و مناسبات تولیدی بوجود می آید، به طور گریزناپذیری موجب تشدید مبارزه طبقاتی شده و در نتیجه، شیوه تولید قدیم به وسیله شیوه جدید مترقی تری جانشین می گردد. به قول مارکس فقط جامعه سوسیالیستی بدون طبقه است که در آن «تکامل تدریجی جامعه، دیگر انقلاب سیاسی نیست.»

مارکس در «فقر فلسفه» شالوده اقتصاد سیاسی مارکسیستی را پی ریزی کرده و در آثار بعدی خود یعنی در کتاب «نقد اقتصاد سیاسی» و همچنین در اثر معروفش «سرمایه» به تفصیل آن ها را تشریح می کند و تصورات متافیزیکی اقتصاددانان بورژوا، مبنی بر ابدی و خلل ناپذیر بودن قوانین اقتصادی را از دیده دیالکتیک مادی تجزیه و تحلیل می کند و خصلت تاریخی ناپایدار و آنتاگونیستی مناسبات اقتصادی سرمایه داری را افشاء می کند.

مارکس شرایط تشکیل جامعه سرمایه داری را از دیدگاه نوین و علمی بررسی کرده و نقش صنعت بزرگ را در توسعه سرمایه داری تشریح می نماید. او جنبه های مختلف تولید سرمایه داری یعنی رقابت و تقسیم کار سرمایه داری را تجزیه و تحلیل نموده و نشان می دهد که